

## آیات نزول ملائکه و ضرورت وجود امام

حسن ملایی شهرستانکی<sup>۱</sup>

### چکیده

«وجود امام» از مهم‌ترین آموزه‌های دین اسلام به شمار می‌رود. ضرورت وجود امام نیز مورد اتفاق فرقه‌های مسلمین است و جز افراد اندکی با آن مخالفت نکرده‌اند. دلایل عقلی و نقلی بسیاری بر وجوب امامت اقامه شده است. آیات فراوانی از قرآن نیز به مباحث امامت اشاره دارند. برخی از آیات قرآن تحت عنوان «نزول ملائکه و روح در شب قدر» به ضرورت وجود امام دلالت دارد. این آیات وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه را اثبات می‌کند.

بعد از اثبات بقای شب قدر و ضرورت نزول ملائکه و روح، بر ضرورت وجود امام استدلال شده است. استدلال از این جا شروع می‌شود که شب قدر بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله استمرار دارد. با وجود شب قدر، نزول ملائکه و روح، ضرورت خواهد داشت. با نزول ملائکه و روح، وجود محل نزول ملائکه نیز ضرورت خواهد داشت. با توجه به بایسته‌هایی که برای محل نزول لازم است، محل نزول ملائکه، همان «امام» خواهد بود.

با توجه به دلالت واضح این آیات بر ضرورت وجود امام و توصیه‌های اهل بیت علیهم السلام به احتجاج به آن، تحقیقات مستقل در این باره بسیار محدود است. بنابراین، در نوشتار پیش رو، وجوب امامت و وجود امام با محوریت این آیات با روش «توصیفی - تحلیلی» پیگیری شده است. **واژگان کلیدی:** وجوب امامت، استمرار شب قدر، نزول ملائکه و روح، سنت تقدیر مقدرات.

همه فرقه‌های مسلمین در ضرورت وجود امام، اتفاق دیدگاه دارند و به ضرورت آن معترفند. فقط گروهی از خوارج به نام «نجدات» ضرورت امامت را نفی می‌کنند و آن را در حدّ جواز می‌دانند.<sup>۱</sup> ابوبکر اصم و هشام بن عمرو فوطی، از متکلمان معتزله، وجوب و ضرورت امامت را به صورت مشروط قبول دارند. اصم معتقد است که هرگاه در جامعه امنیت و عدالت حاکم باشد، به امام نیازی نیست؛ اما اگر ظلم و جور به وجود آید، وجود امام برای رسیدگی به مصالح و مفاسد جامعه، ضروری خواهد بود.<sup>۲</sup> او گفته است: «يجب عند الفتنة دون الامن.»<sup>۳</sup> فوطی دیدگاه مقابل قول اصم را قائل شده و گفته است: «يجب عند الأمن دون الفتنة»؛<sup>۴</sup> یعنی هرگاه در جامعه عدل و انصاف سایه گستر باشد؛ وجود امام لازم است تا احکام شریعت را بیان و حدود را اجرا کند. در این صورت مردم نیز از او اطاعت می‌کنند؛ اما اگر در جامعه‌ای ظلم و ستم حاکم باشد، مردم از امام اطاعت نخواهند کرد و وجود امام موجب گسترش ظلم و اختلاف خواهد شد.<sup>۵</sup> بنابراین، وجود امام در صورت دوم لازم نیست.

شیخ محمد عبده بر این باور است که امروزه بحث از امامت موجب فتنه است و سودی ندارد. او می‌گوید: «إن المسلمین لیس لهم اليوم إمام إلا القرآن و إن الکلام فی الإمامة مثار فتنة یخشی ضره و لایرجی نفعه الآن»<sup>۶</sup> برخی می‌گویند که محمد عبده منادی وحدت بود و از

۱. رک: أشعری، مقالات الإسلامیین و اختلاف المصلین، ص ۱۲۵؛ اندلسی، الفصل فی الملل و الأهواء و النحل، ج ۳، ص ۳؛ شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۴۳؛ همان؛ نهاية الأقدام فی علم الکلام، ص ۲۶۸-۲۶۹؛ تفتازانی، شرح المقاصد، ج ۵، ص ۲۳۵ و جرجانی، شرح المواقف، ج ۸، ص ۳۹۳.
۲. رک: بغدادی، أصول الإيمان، ص ۲۱۶؛ رازی، الأربعین فی أصول الدین، ج ۲، ص ۲۵۶؛ آمدی، أبکار الأفكار فی أصول الدین، ج ۵، ص ۱۲۲؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، ج ۲، ص ۳۰۸ و جرجانی، شرح المواقف، ج ۸، ص ۳۴۵.
۳. جرجانی، شرح المواقف، ج ۸، ص ۳۹۳.
۴. همان.
۵. رک: رازی، الأربعین فی أصول الدین، ج ۲، ص ۲۵۶؛ آمدی، أبکار الأفكار فی أصول الدین، ج ۵، ص ۱۲۲؛ حلی، الألفین، ج ۱، ص ۶۴ و سیوری، إرشاد الطالبین إلى نهج المسترشدين، ص ۳۲۷.
۶. عبده، الأعمال الكاملة، ج ۱، ص ۱۱۷.

مسائل اختلافی در امور دینی و سیاسی، دوری می‌کرد. بنابراین، او قرآن را امام مسلمین می‌داند.<sup>۱</sup>

بعضی از روشنفکران نیز با این تحلیل که امامت به دوره خاصی از تحول اجتماعی، یعنی دوره مدینه در قرن هفتم و هشتم میلادی اختصاص دارد؛ امامت را محدود می‌دانند و همیشگی بودن آن را انکار می‌کنند.<sup>۲</sup>

البته با اطلاق ادله‌ای که برای وجوب امامت بیان شده است، دیدگاه این افراد مردود خواهد بود. باید به این نکته توجه کرد که حتی کسانی که امامت را به صورت مطلق واجب می‌دانند، در «وجوب سمعی» و «وجوب عقلی» آن و همچنین در این که امامت «واجب علی الله» است، یا «واجب علی الناس»؛ اختلاف دیدگاه دارند،<sup>۳</sup> لکن در وجوب آن بین فرقه‌های مسلمین اتفاق نظر وجود دارد.

### آیات نزول ملائکه و امامت

دلایل بسیاری برای وجوب امامت اقامه شده است؛ اما از آن جا که رسالت این تحقیق اثبات امامت از طریق «وجود شب قدر و نزول ملائکه بر صاحب امر» است؛ کسی که در صدد بررسی سایر ادله است، به کتاب‌های کلامی مراجعه کند.<sup>۴</sup>

استدلال به آیات استمرار شب قدر و نزول ملائکه برای ضرورت امامت، از دلایل مهم امامت به حساب می‌آید. در روایات ائمه علیهم‌السلام نیز این استدلال به کار رفته است.<sup>۵</sup> از این رو، ائمه، شیعیان

۱. ر.ک: أعراب، الإسلام السياسي و الحداثة، ص ۳۱.

۲. ر.ک: شریعتی، مجموعه آثار، ج ۱۵، ص ۴۲-۴۵.

۳. ر.ک: حلی، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۳۶۲؛ تفتازانی، شرح المقاصد، ج ۵، ص ۲۳۵-۲۳۶ و سیوری، إرشاد الطالبین إلی نهج المسترشدين، ص ۳۲۷.

۴. معتزلی همدانی، المغنی فی أبواب التوحید و العدل، ج ۲۰ (القسم الأول)، ص ۴۱-۵۴؛ حمصی رازی، المنقذ من التقليد، ج ۲، ص ۲۴۰-۲۶۲؛ بحرانی، قواعد المرام فی علم الکلام، ص ۱۷۵-۱۷۷؛ تفتازانی، شرح المقاصد، ج ۵، ص ۲۳۶-۲۴۳؛

سیوری، إرشاد الطالبین إلی نهج المسترشدين، ص ۳۲۷-۳۲۸ و شبر، حق الیقین فی معرفة أصول الدین، ج ۱، ص ۱۸۳-۱۸۷. ۵. کلینی، الکافی، کتاب الحجّة، باب فی شأن ﴿إنا أنزلناه فی لیلۃ القدر﴾ و تفسیرها، ح ۶.

را به احتجاج به «سوره قدر»<sup>۱</sup> امر کرده و نتیجه آن را پیروزی در این محاجه دانسته‌اند.<sup>۲</sup>  
 امام صادق علیه السلام روایتی را از امام سجاد علیه السلام نقل می‌کند:

«إِنَّ مُحَمَّدًا حِينَ يَمُوتُ يَقُولُ أَهْلُ الْخِلَافِ لِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَضَتْ لَيْلَةُ الْقَدْرِ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَهَذِهِ فِتْنَةٌ أَصَابَتْهُمْ خَاصَّةٌ، وَبِهَا ارْتَدُّوا عَلَى أَعْقَابِهِمْ؛ لِإِنَّهُمْ إِنْ قَالُوا لَمْ تَذْهَبْ، فَلَا بُدَّ أَنْ يَكُونَ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِيهَا أَمْرٌ، وَإِذَا أَقْرَأُوا بِالْأَمْرِ، لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنْ صَاحِبٍ بُدٌّ؛<sup>۳</sup> هنگامی که پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از دنیا رفت مخالفان امر خداوند عزوجل گفتند: امر خدا که در شب قدر بود؛ با رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ رفت و تمام شد. این [گفته آنان] فتنه‌ای است که فقط به آن‌ها می‌رسد و به همین دلیل به عقب برمی‌گردند؛ زیرا اگر بگویند امر خدا باقی است و بعد از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از بین نرفته است، باید خدا امری داشته باشد و اگر به وجود امر اعتراف کنند، چاره‌ای نیست جز این که صاحب‌الامری باشد.»

این استدلال قرآنی است نه روایی و لذا کسی نمی‌تواند استدلال را دوری یا مجعول غالیان بداند. در این جا «شیوه» استدلال امام علیه السلام به قرآن مراد است؛ نه سخن آن حضرت؛ هر چند آن نیز برای ما حجت است.<sup>۴</sup>

### استدلال به آیات

وجود شب قدر در زمان پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مورد اتفاق همه مسلمین است؛ اما برای استدلال به این آیات برای ضرورت وجود امام، باید استمرار شب قدر نیز اثبات شود؛ که در ادامه با ادله بیان خواهد شد که شب قدر به زمان حیات رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اختصاص ندارد و بعد از ایشان هم استمرار دارد و وجود شب قدر مستلزم نزول ملائکه و وجود امر خواهد بود. خداوند متعال در آیه ﴿تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ﴾<sup>۵</sup>؛ به نزول ملائکه در شب قدر برای

۱. با توجه به روایاتی که در این زمینه وارد شده است، به دست می‌آید که مراد، احتجاج به مضمون این سوره و وجود شب قدر و نزول ملائکه بر صاحب‌الامر است. بنابراین، آیات دیگری را هم که به این مضمون اشاره دارد در بر می‌گیرد؛ مثل آیات ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مَبْرُكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ أَمْرًا مِنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُؤَسِّلِينَ﴾. (دخان: ۵۳).

۲. کلینی، الکافی، کتاب الحجة، باب فی شأن ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ و تفسیرها، ح ۶.

۳. همان، ح ۶.

۴. جوادی آملی، ادب فنای مقربان، ج ۶، ص ۳۲۱.

۵. بقره: ۳.

آوردن امر، تصریح کرده است. لازمه نزول امر، وجود صاحب الامر است که آن را دریافت می کند. ملائکه و روح نزد او نازل می شوند و امر را به او می رسانند. پس وجود شب قدر بر این نکته دلالت دارد که در هر زمانی حجتی هست که صاحب الامر است و امر توسط ملائکه و به دست او می رسد.

بر این اساس، باید ابتدا استمرار شب قدر و نزول ملائکه اثبات شود و سپس ضرورت وجود محلی برای دریافت امر اثبات گردد. بنابراین، برای استدلال به آیه شریفه دو قیاس ذکر می شود:

### قیاس اول: استمرار شب قدر

شکل استدلال با قیاس استثنایی به این صورت است:

اگر شب قدر بعد از رسول خدا ﷺ استمرار داشته باشد، حتماً امر توسط ملائکه و روح به زمین نازل خواهد شد؛ لکن شب قدر بعد از رسول خدا استمرار دارد. پس امر توسط ملائکه به زمین نازل می شود.

### بیان ملازمه

نزول ملائکه در شب قدر برای رساندن «امر» به زمین است. به نص آیات قرآن، در شب قدر، ملائکه اموری را که انسانها در آن سال به آن نیاز دارند، برای اهل زمین می آورند: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ أَمْراً مِنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»<sup>۱</sup> و «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ مَا أَذْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ»<sup>۲</sup>. بنابراین، شب قدر، ظرف زمانی نزول ملائکه است. به عبارت دیگر، لازمه وجود شب قدر، نزول ملائکه برای رساندن «امر» به زمین خواهد بود.

### اثبات مقدم

برای اثبات استمرار شب قدر بعد از پیامبر اکرم ﷺ به وجوهی استدلال شده است:

#### ۱. فعل مضارع دال بر استمرار

اولین دلیل بر وجود شب قدر، آیه قرآن است که می فرماید: «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ

۱. دخان: ۳-۶.

۲. قدر: ۱-۴.

رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرِ<sup>۱</sup>». ظاهر این آیه شریفه بر دوام و استمرار تجدیدی شب قدر دلالت می‌کند.<sup>۲</sup> علامه طباطبائی نیز از آیه «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ»<sup>۳</sup> استمرار شب قدر را برداشت کرده است.<sup>۴</sup>

## ۲. اجماع

شیعه بر استمرار و بقای شب قدر بعد از پیامبر ﷺ اجماع دارد. اکثر اهل سنت نیز به استمرار آن قائل هستند؛ مگر عده اندکی از اهل سنت که شب قدر را مختص زمان پیامبر اکرم ﷺ می‌دانند.<sup>۵</sup> این عده نیز در این که شب قدر فقط یک شب است یا در سال‌های زمان حیات پیامبر اکرم ﷺ تکرار می‌شده؛ اختلاف نظر دارند.<sup>۶</sup>

این گروه از اهل سنت، نزول قرآن را تنها فضیلت و علت منحصر وجود شب قدر ذکر کرده و آن را مختص زمان رسول خدا ﷺ می‌دانند<sup>۷</sup> و استمرار آن بعد از پیامبر اکرم ﷺ را قبول ندارند؛ لکن این دیدگاه از دو لحاظ مورد مناقشه است: اولاً، نزول قرآن یکی از وجوه فضیلت شب قدر به حساب می‌آید، نه همه فضیلت آن؛ زیرا اموری مثل تفریق امور، فضیلت عبادت، نزول

۱. قدر: ۴.

۲. رک: مجلسی، روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۳۹؛ همان، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول ﷺ، ج ۱۶، ص ۳۸۶؛ فتونی، ضیاء العالمین فی امامة ائمة المصطفین ﷺ، ج ۱، ص ۳۲-۳۳؛ صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة، ج ۳۰، ص ۳۸۳ و مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۸۴.

۳. دخان: ۴.

۴. رک: طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۱۳۰، و ج ۲۰، ص ۳۳۱.

۵. رک: ثعلبی، الکشف و البیان عن تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۲۴۸-۲۴۹؛ بغوی، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۲۸۳؛ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۷۸۶؛ رازی، تفسیر مفاتیح الغیب، ج ۳۲، ص ۲۳۰؛ نیشابوری، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ۶، ص ۵۳۶؛ دمشقی، تفسیر القرآن العظیم، ج ۸، ص ۴۲۹ و سبزواری، مهذب الأحکام فی بیان الحلال و الحرام، ج ۱۰، ص ۳۳۸.

۶. رک: قرطبی، الجامع لأحکام القرآن، ج ۲۰، ص ۱۳۵؛ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۷۸۶ و طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۳۳۱.

۷. رک: رازی، تفسیر مفاتیح الغیب، ج ۳۲، ص ۲۳۰؛ نیشابوری، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ۶، ص ۵۳۶.

رحمت و حصول مغفرت،<sup>۱</sup> نیز از فضیلت‌های شب قدر به شمار می‌روند؛ ثانیاً، وجود فضیلت، علت منحصر استمرار شب قدر نیست، بلکه علل دیگری مثل تبیین محکم و متشابه قرآن و تقدیر اعمال بندگان نیز برای نزول ملائکه در شب قدر وجود دارند که در وجوه بعدی به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

علامه طباطبائی نیز از همین مطلب برای اثبات استمرار شب قدر استفاده کرده و شب قدر را ظرف تقدیر و اندازه‌گیری امور و حوادث سالیانه دانسته است و بر همین اساس، تکرار آن را در هر سال قمری لازم می‌شمارد و نزول دفعی قرآن در یکی از این شب‌ها را هم می‌پذیرد؛<sup>۲</sup> زیرا بین تقدیر امور و نزول قرآن در این شب، منافاتی وجود ندارد و هر یک از این موارد، فضیلتی برای شب قدر به شمار می‌رود.

البته باید توجه داشت که این اجماع مدرکی است؛ زیرا ناقلان اجماع به روایات تمسک کرده‌اند.<sup>۳</sup> بنابراین، نمی‌توان این وجه را دلیل مستقل به حساب آورد.

### ۳. تبیین محکم و متشابه قرآن

دلیل دیگر این‌که ملائکه در شب قدر، تفریق محکم از متشابه و هر آنچه از تبیین و تفسیر قرآن که به امور آن سال و نیاز مردم مربوط باشد؛ به زمین و نزد صاحب آن می‌آورند.<sup>۴</sup> اگر شب قدر استمرار نداشته باشد و بعد از پیامبر اکرم ﷺ از بین برود، احکام و تفسیر قرآن که مورد نیاز مردم است، نازل نخواهد شد و این، خلاف حکمت خداوند است؛ چرا که با هدایت

۱. ن. ک: دخان: ۴؛ طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۵، صص ۶۴-۶۵؛ کلینی، الکافی، کتاب الصیام، باب فی لیلة القدر، ج ۲، ۳، ۴، ۶، ۸؛ بن بابویه، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۵۸؛ همو، فضائل الأشهر الثلاثة، ص ۱۰۵؛ رازی، تفسیر مفاتیح الغیب، ج ۲۷، ص ۶۵۳؛ قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۶، ص ۱۲۶؛ سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۶، صص ۲۵-۲۶.

۲. ر. ک: طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۳۳۱.

۳. ر. ک: بغوی، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۲۸۳؛ نیشابوری، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ۶، ص ۵۳۶؛ دمشقی، تفسیر القرآن العظیم، ج ۸، ص ۴۲۹ و سبزواری، مهذب الأحكام فی بیان الحلال و الحرام، ج ۱۰، ص ۳۳۸.

۴. ر. ک: کلینی، الکافی، کتاب الحجة، باب فی شأن ﴿إنا أنزلناه فی لیلة القدر﴾ و تفسیرها، ج ۳.

خلق منافات دارد و موجب تعطیلی قرآن و بی‌ثمر بودن آن خواهد شد.<sup>۱</sup>  
 علامه طباطبائی بعد از این که «تفریق» در آیه «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ»<sup>۲</sup> را به تفصیل بعد از ابهام و اجمال تفسیر می‌کند؛ قرآن را نیز یکی از آن امور می‌داند که در شب قدر به مرحله تفصیل رسیده است؛<sup>۳</sup> اما ایشان تفسیر آیه مذکور توسط برخی از مفسران؛ به تفصیل معارف و احکامی را که در قرآن بیان شده است، نپذیرفته و به جای آن «امور تکوینی» را ذکر می‌کند.<sup>۴</sup>

#### ۴. تقدیر اعمال

یکی از سنت‌های الهی این است که تقدیر اعمال، آجال، ارزاق، منایا و بلایا و هر آنچه در سال پیش رو برای افراد اتفاق می‌افتد؛ در شب قدر قرار داده است.<sup>۵</sup> لازمه این سنت الهی، آن است که شب قدر استمرار داشته باشد تا تقدیر اعمال سالانه همه افرادی که تا قیامت در دنیا هستند، انجام بگیرد.

علامه طباطبائی در این باره می‌نویسد:

تقدیر امور هر سال در شب قدر همان سال اتفاق می‌افتد. بنابراین، لازم است شب قدر تکرار شود؛ زیرا معنا ندارد که تقدیر امور همه سال‌های گذشته و آینده در یک شب یا چند شب انجام گیرد.<sup>۶</sup>

۱. ر.ک: فیض کاشانی، الوافی، ج ۱۱، ص ۳۸۱؛ همان، تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۶۵ و مجلسی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول ﷺ، ج ۱۶، ص ۳۸۶.

۲. دخان: ۴.

۳. ر.ک: طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۱۳۲.

۴. ر.ک: همان.

۵. ن.ک: صفار، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، باب ما یلقى إلى الأئمة فی ليلة القدر مما یكون فی تلك السنة و نزول الملائكة عليهم، ح ۴-۱؛ کلینی، الکافی، کتاب الحجّة، باب فی شأن «إنا أنزلناه فی ليلة القدر» و تفسیرها، ح ۷، و کتاب الصیام، باب فی ليلة القدر، ح ۲، ۳، ۶، ۸ و ۱۲؛ ابن بابویه، عیون أخبار الرضا، ج ۲، صص ۱۱۶-۱۱۷؛ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۲۲۴؛ همو، الأمالی، مجلس ۳۹، ح ۸ و ۱۰؛ زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۴، صص ۲۷۰-۲۷۱؛ رازی، تفسیر مفاتیح الغیب، ج ۲۷، ص ۶۵۵؛ قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۶، ص ۱۲۶؛ سیوطی، الدرالمثور فی تفسیر المأثور، ج ۶، صص ۲۵-۲۶؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۴، ص ۵-۴.

۶. ر.ک: طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۳۳۱.



## ۵. رفع قرآن

دلیل دیگر این که اگر شب قدر استمرار نداشته باشد، قرآن نیز برداشته خواهد شد؛ زیرا استمرار شب قدر لازمه وجود قرآن است. همچنین اگر شب قدر استمرار نداشته باشد، قرآن کذب خواهد بود؛ زیرا آیه ﴿تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا﴾<sup>۱</sup> ظهور در دوام و استمرار دارد.<sup>۲</sup> شاید کلام امام صادق علیه السلام که فرمود: «لَوْ رُفِعَتْ لَيْلَةُ الْقَدْرِ، لُرْفِعَ الْقُرْآنُ»<sup>۳</sup> به این دو وجه باز گردد. تفاوت این دلیل با دلیل نخست به تفاوت در «حد وسط» آن باز می‌گردد. در دلیل نخست، دلالت فعل مضارع بر استمرار، حد وسط برهان قرار گرفت؛ اما در این دلیل، بعد از دلالت فعل مضارع بر استمرار، لزوم رفع و راه یافتن کذب در قرآن حد وسط برهان قرار دارد.

## ۶. روایات

روایاتی که دال بر استمرار شب قدر هستند، به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته نخست، روایاتی که در تفاسیر و مجامع روایی شیعه<sup>۴</sup> و اهل سنت<sup>۵</sup> درباره استمرار شب قدر ذکر شده‌اند. با احتمال تواتر این روایات،<sup>۶</sup> بر قوت این وجه افزوده خواهد شد. دسته دیگر، روایات دال بر نزول ملائکه در شب قدر بر ائمه اهل بیت علیهم السلام؛<sup>۷</sup> که این دسته از

۱. قدر: ۴.

۲. رک: مجلسی، روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۳۹.

۳. کلینی، الکافی، کتاب الصیام، باب فی لیلۃ القدر، ح ۷.

۴. رک: همان، کتاب الحجۃ، باب فی شأن ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ و تفسیرها، ح ۲ و ۴ و ۵ و ۷، و ابواب التاریخ، باب ما جاء فی الاثنی عشر و النص علیهم، ح ۱۱؛ و کتاب الصیام، باب فی لیلۃ القدر، ح ۷؛ طوسی، الغیبه، ص ۱۴۲ و عروسی حویزی، نورالثقلین، ج ۵، ص ۶۱۵.

۵. رک: سجستانی، سنن ابی داود، ج ۲، ص ۵۳۵؛ طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۵، ص ۶۴؛ سیوطی، الدرالمشثور فی تفسیر المأثور، ج ۶، ص ۳۷۱-۳۷۲؛ آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۳، ص ۱۱۲ و کوفی، المصنف، ج ۲، ص ۴۹۰.

۶. رک: مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۹۰.

۷. رک: قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۲۹۰ و ۴۳۲؛ برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۵؛ صفار، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام، باب ما یلقى إلی الائمة علیهم السلام فی لیلۃ القدر مما ینزل فی تلك السنة و نزول الملائکة علیهم؛ کلینی، الکافی، کتاب الحجۃ، باب موالید الائمة علیهم السلام، ح ۱ و بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۷۰۶.

روایات به دلالت التزامی وجود و استمرار شب قدر را اثبات خواهند کرد. بعضی از مفسران نیز به لوازم این روایات توجه داشته و استمرار شب قدر را از آن استفاده کرده‌اند.<sup>۱</sup> برخی از این وجوه به‌تنهایی می‌تواند دلیلی برای استمرار شب قدر باشد. در صورتی که هر یک از این ادله مستقلاً نتواند بر استمرار دلالت کند؛ با جمع ادله و معاضده آن‌ها، مطلوب حاصل خواهد شد.

### قیاس دوم: وجود صاحب‌الامر

با اثبات استمرار شب قدر نتیجه این شد: «شب قدر استمرار دارد؛ پس ملائکه امر را به زمین نازل می‌کنند». این نتیجه را مقدمه قیاس بعدی قرار می‌دهیم. اگر امر توسط ملائکه به زمین نازل شود، لازم است برای آن امر، صاحبی باشد تا آن را دریافت کند؛ لکن امر توسط ملائکه به زمین نازل می‌شود. پس برای آن امر، صاحبی هست که آن را دریافت می‌کند.

### بیان ملازمه:

روشن است که اگر امری از جانب خداوند متعال به زمین نازل شود، باید منزلت الیه و محل نزولی هم باشد تا ملائکه امر را به او تحویل دهند. در غیر این صورت، نزول ملائکه برای رساندن امر لغو خواهد بود؛ زیرا نزول وقتی معنا پیدا خواهد کرد که منزلت الیه موجود باشد و ملائکه بر او نازل شوند.

### اثبات مقدم

نزول ملائکه و آوردن امر در قیاس استثنایی اول اثبات شد. آیه شریفه ﴿تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ﴾<sup>۲</sup> نیز به نزول ملائکه در شب قدر تصریح کرده است. نتیجه این دو قیاس آن است که با استمرار شب قدر، ملائکه بر زمین نازل خواهند شد تا امر

۱. ر.ک: حسینی استرآبادی، تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، ص ۷۹۴-۷۹۸.

۲. قدر: ۴.

را به صاحب آن برسانند. با این نتیجه، ضرورت وجود صاحب امر اثبات شد.

### صاحب امر و امام

این «صاحب امر» که ملائکه و روح، امر را به او نازل می‌کنند؛ باید دارای ویژگی‌هایی باشد تا بتواند امر را دریافت و آن را حفظ کند و به سرانجام مقصود برساند. این ویژگی‌ها عبارت است از: ظرفیت و شأنیت دریافت امر، علم و عصمت.

اگر کسی واجد این صفات نباشد، نمی‌تواند امر را دریافت کند؛ زیرا امر نازل شده در شب قدر، مشتمل است بر مسائل مهم، از قبیل تفسیر قرآن، احکام امور سال پیش رو، و تقدیر اعمال بندگان؛ و کسی که آن را حمل می‌کند، ملائکه و روح هستند. دریافت این امور و پذیرش ملائکه و روح - که اعظم از ملائکه است<sup>۱</sup> - توسط شخصی محقق می‌شود که شأن و رتبه او همانند شأن و رتبه پیامبر باشد که وحی را دریافت می‌کند و در واقع، بایستی ظرفیت پذیرش ملائکه و روح را داشته باشد.

علم به منشأ و نازل‌کننده امر نیز یکی دیگر از بایسته‌های دریافت امر است؛ زیرا اطمینان به الاهی و رحمانی بودن این امر، گام نخست دریافت امر است. این علم از سنخ علوم بشری و علم حصولی نیست، بلکه علمی لدنی و موهبتی از طرف خدای متعال است که هیچ خطایی در آن متصور نیست.

برخورداری از عصمت نیز برای حفظ این امر ضروری می‌نماید؛ چرا که امکان خطا برای صاحب امر، احتمال خطای عمدی، سهو و نسیان را به دنبال خواهد داشت. در این صورت، وثوق و اطمینان تام به صاحب امر برای حفظ و رساندن محتوای آن به مردم از بین خواهد رفت. نزول امر از جانب خداوند به غیر معصوم، خلاف حکمت الاهی است.

بنابراین، وجود ظرفیت و داشتن دو ویژگی، علم و عصمت برای صاحب امر ضرورت دارد. باتوجه به ضرورت این صفات، دیدگاهی که صرفاً آسمان دنیا<sup>۲</sup> یا روی زمین را محل نزول

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، کتاب الحجة، باب موالید الأنمه عليه السلام، ح ۱.

۲. برخی از روایات ائمه عليهم السلام نیز بر نزول ملائکه به آسمان دنیا دلالت دارند. (ر.ک: کلینی، الکافی، کتاب الصیام، باب فی لیلۃ القدر، ح ۳)؛ لکن بین این روایات و روایاتی که ائمه عليهم السلام را محل نزول ملائکه می‌داند، منافاتی نیست؛ زیرا ملائکه ابتدا

←

ملائکه و روح می‌داند؛<sup>۱</sup> باطل است؛ زیرا این مکان‌ها شأنیت اتصاف به این صفات را ندارند. به عبارت دیگر، این صفات در جایی خواهد آمد که موضوع، ملکه آن را داشته باشد؛ در حالی که آسمان و زمین، ملکه این صفات را ندارند.

برخی از اهل سنت، ملائکه را محل نزول امر می‌دانند،<sup>۲</sup> امر در شب قدر به ملائکه مدبرات، نازل می‌شود تا آن را اجرا کنند؛<sup>۳</sup> لکن این دیدگاه صحیح نیست؛ زیرا بر اساس آیه ﴿فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ﴾؛<sup>۴</sup> امری که نازل می‌شود، همه امور را در برمی‌گیرد. بنابراین، باید اولاً، ظرفیت و قابلیت برای دریافت این امر موجود باشد؛ در حالی که ملائکه، واجد چنین ظرفیتی نیستند و ثانیاً، هر یک از گروه ملائکه مدبر، تدبیر امر خاصی را بر عهده دارند و نمی‌توانند همه امور را دریافت کنند؛ علاوه بر این که ظاهر آیه ﴿تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ﴾؛<sup>۵</sup> نزول همه ملائکه را شامل می‌شود.<sup>۶</sup> پس نمی‌توان گفت که ملائکه بر خودشان نازل می‌شوند؛ زیرا در این صورت نزول ملائکه بر خودشان خواهد بود.

همچنین اگر تواتر روایات نزول ملائکه به ائمه علیهم‌السلام در شب قدر<sup>۷</sup> را بپذیریم؛ دیدگاه مذکور خلاف علم قطعی حاصل از تواتر خواهد بود؛ زیرا روایات، ائمه علیهم‌السلام را محل نزول ملائکه

به آسمان دنیا نازل می‌شوند، سپس نزد امام حاضر می‌گردد. (ر.ک: مجلسی، روضة المتقین، ج ۳، ص ۴۴۱). بنابراین، این روایات با دیدگاه اهل سنت که نزول نهایی ملائکه را به آسمان دنیا می‌دانند، منافات دارند.

۱. ر.ک: طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳۰، ص ۱۶۶؛ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۲۲۴؛ زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۴، ص ۷۸۱؛ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۷۸۶؛ رازی، تفسیر مفاتیح الغیب، ج ۳۲، ص ۲۳۳؛ بیضاوی، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، ج ۵، ص ۳۲۷؛ نیشابوری، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ۶، ص ۵۳۹ و آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۵، ص ۴۱۸.

۲. ر.ک: آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۵، ص ۴۱۵.

۳. همان.

۴. دخان: ۴.

۵. قدر: ۴.

۶. ر.ک: رازی، تفسیر مفاتیح الغیب، ج ۳۲، ص ۲۳۳ و صادقی تهرانی، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة، ج ۳۰، ص ۳۸۲.

۷. ر.ک: مجلسی، روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۴۱.

می‌دانند، نه ملائکه را.<sup>۱</sup>

آنچه می‌توان شأنیت دریافت امر، علم و عصمت را برای او تصور کرد، شخصی انسانی است که در این دنیا زندگی می‌کند.

می‌دانیم که حقیقت از دین اسلام خارج نیست و صاحب امر همیشه بین مردم موجود است. تنها شخصی که می‌تواند بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مصداق صاحب امر باشد، ائمه اهل البیت علیهم السلام هستند؛ زیرا فقط ایشان از این ویژگی‌ها برخوردارند.

یکی از محققان معاصر در این درباره می‌نویسد:

«نزول ملائکه در شب قدر و شرفیابی‌شان به حضور امام معصوم علیه السلام آن قدر زیاد است که در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است: «تمام ملائکه در شب قدر به دور ما طواف می‌کنند.» اگر این همه فرشته بر امامان معصوم علیهم السلام نازل می‌شوند و این همه علوم را برای آنان می‌آورند، قهراً آن‌ها، هم «مختلف الملائكة» هستند هم «مهبط الوحي» و هم «خزان العلم».<sup>۲</sup>

البته اگر نزول ملائکه به آسمان دنیا و نزول آن‌ها را به زمین مقدمه‌ای برای نزول به امام در نظر بگیریم؛ می‌توان بین دیدگاه اهل سنت و شیعه جمع کرد. برخی از علمای شیعه<sup>۳</sup> برای جمع بین روایات، به وجه مذکور اشاره کرده‌اند.

### دلالت روایات بر نزول ملائکه و روح به ائمه علیهم السلام:

در منابع شیعه روایاتی ذکر شده‌اند که به نزول ملائکه و روح بر ائمه علیهم السلام دلالت دارند، برای نمونه به چند روایت اشاره می‌شود:

۱. امام صادق علیه السلام حالات هنگام تولد امام را بیان کرده است: «... امام به ندای منادی پاسخ می‌دهد و می‌گوید: ﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا

۱. در صورت اثبات تواتر، این روایات برای سایر مذاهب نیز الزام آور خواهد بود؛ زیرا صحت مذهب در پذیرش تواتر شرط نیست. برخی اسلام را شرط کرده‌اند. (ر.ک: قاسمی، قواعدالتحدیث من فنون مصطلح التحدیث، ص ۱۴۷)؛ ولی برخی دیگر اسلام را نیز شرط نمی‌دانند (ر.ک: مقدسی، روضة الناظر و جنة المناظر، ج ۱، ص ۲۲۹).

۲. جوادی آملی، ادب فنای مقربان، ج ۱، ص ۱۴۳-۱۴۴.

۳. ر.ک: مجلسی، روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۴۱.

هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿ قَالَ فَاِذَا قَالَ ذَلِكَ اَعْطَاهُ اللهُ الْعِلْمَ الْاَوَّلَ وَالْعِلْمَ الْاٰخِرَ وَاسْتَحَقَّ زِيَارَةَ الرُّوحِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ... ﴾ گواهی می‌دهد که معبودی جز او نیست و فرشتگان و صاحبان دانش، [هر کدام به گونه‌ای بر این مطلب،] گواهی می‌دهند در حالی که [خداوند در تمام عالم] قیام به عدالت دارد معبودی جز او نیست، که هم توانا و هم حکیم است. (آل عمران/۱۸) فرمود: چون چنین گوید: خدا به او علم اول و علم آخر دهد و مستحق آن شود که روح در شب قدر از او دیدن کند...<sup>۱</sup>.

۲. امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به مردم فرمود: «... هَلْ تَكُونُ لَيْلَةُ الْقَدْرِ مِنْ بَعْدِي فَيَقُولَانِ نَعَمْ قَالَ فَيَقُولُ فَهَلْ يَنْزِلُ ذَلِكَ الْأَمْرُ فِيهَا فَيَقُولَانِ نَعَمْ قَالَ فَيَقُولُ إِلَى مَنْ فَيَقُولَانِ لَا نَدْرِي فَيَأْخُذُ بِرَأْسِي وَيَقُولُ إِنْ لَمْ تَدْرِيَا فَادْرِيَا هُوَ هَذَا مِنْ بَعْدِي ...»<sup>۲</sup> می‌فرمود: آری، اما شب قدر بعد از من هم می‌باشد؟ می‌گفتند: آری، می‌فرمود: در شبهای قدر پس از من هم آن امر نازل می‌شود؟ می‌گفتند: آری. می‌فرمود: بچه کسی نازل می‌شود؟ می‌گفتند: نمیدانیم، پیغمبر صلی الله علیه و آله دست بر سر من می‌گذاشت و می‌فرمود: اگر نمی‌دانید، بدانید، آن شخص پس از من این مرد است.

۳. امام صادق علیه السلام فرمود: «يَا أَبَا الْمَهَاجِرِ! لَا تَخْفَى عَلَيْنَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ يَطُوفُونَ بِهَا فِيهَا.»<sup>۳</sup> ای ابا المهاجر، شب قدر بر ما پوشیده نیست، همانا فرشتگان گرد ما در آن شب طواف می‌کنند.

۴. امیرالمؤمنین علیه السلام به ابن عباس فرمود: «إِنَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي كُلِّ سَنَةٍ وَإِنَّهُ يَنْزِلُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ أَمْرٌ السَّنَةِ وَلِذَلِكَ الْأَمْرُ وَوَلَاةٌ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ مَنْ هُمْ قَالَ أَنَا وَ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ صُلْبِي أَيْمَةً مُحَدَّثُونَ.»<sup>۴</sup> شب قدر در هر سال هست، و در آن شب امر یک سال نازل می‌شود برای آن والیانی است بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله ابن عباس می‌گوید عرض کردم: آنان چه کسانی هستند؟

۱. برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۵.

۲. صفار، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله، باب ما یلتقی الی الائمة علیهم السلام فی لیلۃ القدر مما ینزل فی تلك السنة و نزول الملائكة علیهم، ح ۱۶.

۳. قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۲۹۰.

۴. کلینی، الکافی، کتاب الحجۃ، باب فی شأن ﴿إنا أنزلناه فی لیلۃ القدر﴾ و تفسیرها، ح ۲.

حضرت فرمود: من و یازده نفر از صلب من که همگی امام و محدثند ... .

### نتیجه گیری

با استدلال بر آیات نزول ملائکه، ضرورت وجود امام اثبات خواهد شد؛ زیرا بعد از اثبات استمرار شب قدر بعد از پیامبر اکرم ﷺ و استفاده از ظاهر آیات قرآن که بر نزول ملائکه در شب قدر دلالت دارند، ضرورت وجود «منزول الیه» و کسی که ملائکه، «امر» را نزد او می آورند، اثبات خواهد شد.

بعد از ضرورت وجود منزل الیه، اثبات شد که باید منزل الیه دارای خصوصیتی باشد از قبیل، شأنیت، علم و عصمت. اتصاف به این صفات فقط در انسان قابل تصور است، نه در موجودات دیگر و آسمان و زمین؛ زیرا این صفات برای مواردی قابل اتصاف است که ملکه آن موجود باشد؛ اما ملکه شأنیت، علم و عصمت برای آسمانها و یا زمین متصور نیست. پس مصداقی که ملکه این صفات را دارد و می تواند به آنها متصف شود، انسان است. بعد از اثبات انسان بودن «منزول الیه»، تنها مصداق آن که دارای خصوصیات مذکور باشد، همان امامی است که شیعه به آن معتقد است و او را موجود و زنده می داند.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، محقق: علی عبدالباری، عطیة، الأولى، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۵ ق.
۳. آمدی، سیف الدین، أبکار الافکار فی أصول الدین، محقق: محمد مهدی، أحمد، بی چا، دارالکتب و الوثائق القومیة، قاهرة، ۱۴۲۳ ق.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، صدوق، فضائل الاشهر الثلاثة، محقق و مصحح: غلامرضا عرفانیان یزدی، اول، کتابفروشی داوری، قم، ۱۳۹۶ ق.
۵. \_\_\_\_\_، عیون اخبار الرضا، مصحح: مهدی لاجوردی، نشر جهان، اول، تهران، ۱۳۷۸ ق.
۶. \_\_\_\_\_، من لایحضره الفقیه، محقق: علی اکبر غفاری، دوم، انتشارات نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۳ ق.
۷. أشعری، ابوالحسن، مقالات الإسلامیین و اختلاف المصلین، مصحح: ریتز، هلموت، الثالثة، فرانس شتاینر، ویسبادن، ۱۹۸۰ م.
۸. أعراب، إبراهيم، الإسلام السیاسی و الحدیثة، بی جا، أفریقیا الشرق، مغرب، ۲۰۰۰ م.
۹. أندلسی، ابن حزم، الفصل فی الملل و الأهواء و النحل، تعلیق: شمس الدین، أحمد، الأولى، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۶ ق.
۱۰. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، اول، بنیاد بعثت، قم، ۱۴۱۶ ق.
۱۱. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، محقق: جلال الدین محدث ارموی، دوم، دارالکتب الإسلامیة، قم، ۱۳۷۱ ق.
۱۲. بغدادی، عبدالقاهر، أصول الإیمان، محقق: محمد رمضان، إبراهيم، الأولى، دار و مكتبة الهلال، بیروت، ۲۰۰۳ م.
۱۳. بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل، محقق: المهدي، عبدالرزاق، الأولى، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ ق.



١٤. بياضوى، عبدالله بن عمر، أنوار التنزيل و أسرار التأويل، محقق: المرعشلى، محمد بن عبدالرحمن، الذولى، دار إحياء التراث العربى، بيروت، ١٤١٨ ق.
١٥. تفتازانى، سعدالدين، شرح المقاصد، محقق: عبدالرحمان عميره، الأولى، الشريف الرضى، قم، ١٤٠٩ ق.
١٦. ثعلبى، ابواسحاق، الكشف و البيان، محقق: ابومحمد بن عاشور، الأولى، دار إحياء التراث العربى، بيروت، ١٤٢٢ ق.
١٧. جرجانى، مير سيد شريف، شرح المواقف، مصحح: بدرالدين نعلسانى، الأولى، الشريف الرضى، قم، ١٣٢٥ ق.
١٨. جوادى آملى، عبدالله، ادب فنائى مقربان، ج ١، محقق: محمد صفايى، هفتم، اسراء، قم، ١٣٨٩.
١٩. ——— أدب فنائى مقربان، ج ٦، محقق: محمد صفايى، اول، اسراء، قم، ١٣٨٨.
٢٠. حسينى استر آبادى، شرف الدين، تأويل الآيات الظاهرة فى فضائل العترة الطاهرة، محقق: استاد حسين ولى، الأولى، مؤسسة النشر الاسلامى، قم، ١٤٠٩ ق.
٢١. حلى، حسن بن يوسف، الألفين فى إمامة مولانا أميرالمؤمنين على بن ابيطالب عليه السلام، دوم، دارالهجرة، قم، ١٤٠٩ ق.
٢٢. ——— كشف المراد فى شرح تجريد الإعتقاد، مصحح: حسن حسنزاده آملى، چهارم، مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، قم، ١٤١٣ ق.
٢٣. دمشقى، ابن كثير، تفسير القرآن العظيم، محقق: شمس الدين، محمدحسين، الأولى، دارالكتب العلمية، بيروت، ١٤١٩ ق.
٢٤. رازى، فخرالدين، الأربعين فى أصول الدين، الأولى، مكتبة الكليات الازهرية، قاهره، ١٩٨٦ م.
٢٥. ——— تفسير مفاتيح الغيب، الثالثة، دار احياء التراث العربى، بيروت، ١٤٢٠ ق.
٢٦. زمخشرى، محمود، الكشف عن حقائق غوامض التنزيل، الثالثة، دارالكتاب العربى، بيروت، ١٤٠٧ ق.

٢٧. سبزواری، عبدالأعلى، **مهدب الأحكام فى بیان الحلال و الحرام**، محقق: مؤسسه المنار، چهارم، مؤسسه المنار، قم، ١٤١٣ ق.
٢٨. سجستانی، سلیمان بن احمد، **سنن ابى داود**، محقق و مصحح: الارنؤوط، شعيب، و كامل قره بللى، محمد، الأولى، دارالرسالة العالمية، دمشق، ١٤٣٠ ق.
٢٩. سيورى، مقدار بن عبدالله، **إرشاد الطالبين إلى نهج المسترشدين**، محقق: سيد مهدي رجايى، اول، كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، قم، ١٤٠٥ ق.
٣٠. سيوطى، عبدالرحمن، **الدرالمثور فى تفسير المأثور**، كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، قم، ١٤٠٤ ق.
٣١. شريعتى، على، **مجموعه آثار**، ج ١٥ (تاريخ و شناخت اديان، ج ٢)، دهم، شركت سهامى انتشار، تهران، ١٣٨٨.
٣٢. شهرستانى، محمد بن عبد الكريم، **الملل و النحل**، محقق: محمد بدران، سوم، الشريف الرضى، قم، ١٣٦٤.
٣٣. \_\_\_\_\_، **نهاية الأقدام فى علم الكلام**، محقق: احمد فريد مزيدى، الأولى، دارالكتب العلمية، بيروت، ١٤٢٥ ق.
٣٤. صادقى تهرانى، محمد، **الفرقان فى تفسير القرآن بالقرآن و السنة**، دوم، انتشارات فرهنگ اسلامى، قم، ١٣٦٥.
٣٥. صفار، محمد بن حسن، **بصائر الدرجات فى فضائل آل محمد عليهم السلام**، محقق و مصحح: محسن بن عباسعلى كوجه باغى، الثانية، مكتبة آية الله المرعشى النجفى، قم، ١٤٠٤ ق.
٣٦. طباطبائى، سيد محمدحسين، **الميزان فى تفسير القرآن**، الخامسة، مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، قم، ١٤١٧ ق.
٣٧. طبرسى، فضل بن حسن، **مجمع البيان فى تفسير القرآن**، محقق: محمدجواد بلاغى، سوم، ناصر خسرو، تهران، ١٣٧٢.
٣٨. طبرى، ابن جرير، **جامع البيان فى تفسير القرآن**، الأولى، دارالمعرفة، بيروت، ١٤١٢ ق.
٣٩. طوسى، محمد بن حسن، **الأمالى**، محقق و مصحح: مؤسسة البعثة، الأولى، دارالثقافة، قم،

١٤١٤ ق.

٤٠. \_\_\_\_\_ التبيان في تفسير القرآن، محقق: احمد قصير عاملى، الأولى، دار إحياء التراث العربى، بيروت، بى تا.

٤١. \_\_\_\_\_ كتاب الغيبة، محقق: عبادالله تهرانى، و على احمد ناصح، اول مؤسسة المعارف الإسلامية، قم، ١٤١١ ق.

٤٢. عبده، محمد، الأعمال الكاملة، محقق: محمد عماره، الأولى، دارالشروق، قاهرة، ١٤١٤ ق.

٤٣. عروسى حويزى، عبد على بن جمعه، نورالثقلين، محقق: سيدهاشم رسولى محلاتى، چهارم، اسماعيليان، قم، ١٤١٥ ق.

٤٤. فتونى، شريف ابوالحسن بن محمد طاهر، ضياء العالمين فى بيان إمامة أئمة المعصومين، ج ١، محقق: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، الأولى، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، قم، ١٤٣١ ق.

٤٥. فيض كاشانى، ملا محسن، تفسير الصافى، محقق: اعلمى، حسين، دوم، انتشارات الصدر، تهران، ١٤١٥ ق.

٤٦. \_\_\_\_\_ الوافى، اول كتابخانه امام اميرالمؤمنين عليه السلام، اصفهان، ١٤٠٦ ق.

٤٧. قاسمى، جمال الدين، قواعدالتحديث من فنون مصطلح التحديث؛ الأولى، دارالكتب العلمية، بيروت، ١٩٧٩ ق.

٤٨. قرطبى، محمد بن أحمد، الجامع لأحكام القرآن، محقق: أحمد بردونى و إبراهيم أطفش، الثانية، دارالكتب المصرية، قاهرة، ١٣٨٤ ق.

٤٩. قمى، على بن إبراهيم، تفسير القمى، محقق: طيب موسى جزايرى، سوم، دارالكتاب، قم، ١٤٠٤ ق.

٥٠. كلينى، محمد بن يعقوب، الكافى، محقق: على اكبر غفارى و محمد آخوندى، چهارم، دارالكتب الاسلاميه، تهران، ١٤٠٧ ق.

٥١. كوفى، ابن ابى شيبه، المصنف، محقق: سعيد اللحام، الأولى، دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع، بيروت، ١٤٠٩ ق.

۵۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار أئمة الأطهار عليهم السلام، مصحح: جمعی از محققان، الثانية، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۵۳. \_\_\_\_\_، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول عليهم السلام، مصحح و محقق: سیدهاشم رسولی محلاتی، دوم، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۴۰۴ ق.
۵۴. مجلسی، محمدتقی، روضة المتقين فی شرح من لا یحضره الفقیه، محقق: حسین موسوی کرمانی، و اشتهاودی علی پناه، دوم، بنیاد فرهنگ اسلامی حاج محمدحسین کوشانیپور، قم، ۱۴۰۶ ق.
۵۵. مقدسی، ابن قدامة، روضة الناظر و جنة المناظر، تقديم و توضیح: اسماعیل، شعبان محمد، الثانية، مؤسسة الريان للطباعة و النشر، بیروت، ۱۴۲۳ ق.
۵۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، اول، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۷۴.
۵۷. نیشابوری، نظام الدین، تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، محقق: زکریا عمیرات، الأولى، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۶ ق.